

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی خصائص شانزده گانه حضرت معصومه سلام الله علیها

تاریخ ولادت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها ۱ ذی القعدة سال ۱۷۳ق است، فرصت مناسبی است که به تحلیل شخصیت این بانوی کریمه اهل بیت علیهم السلام پردازیم و با ابعاد وجودی آن حضرت معرفت و شناخت پیدا کنیم؛ چراکه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، شانزده خصوصیت عرشی و فرشی دارد؛ معرفت و شناخت به خصایص عرشی موجب می شود که حضرت را در همان جایی که قرار دارد ببینیم؛ نه در رتبه امامزادگان و فاصله خود را با ایشان به درستی درک کنیم.

معرفت به خصایص عرشی کاربردش در این است که آن خصایص را الگو و اسوه خود قرار داده و با نهادینه کردن آن خصایص در رفتار عملی خویشان فاصله و نسبت بین خود با حضرت را نزدیک نماییم، با چنین رویکردی به تحلیل خصایص شانزده گانه می پردازیم:

۱. پیشگویی ولادت

نخستین خصوصیت عرشی حضرت معصومه سلام الله علیها «پیشگویی در تولد» است.

به این معنا که هرچند در بین معصومین علیهم‌السلام پیشگویی ولادت آنان مسبقه به سابقه است، چراکه در چگونگی ولادت امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که پنجاه سال پیش از ولادتشان، رسول گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله خطاب به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند:

«ای جابر تو زنده می‌مانی تا آنکه فرزندم «محمد بن علی بن الحسین علیه‌السلام» را که در تورات به «باقر» معروف است ملاقات کنی، چون وی را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان.»

جابر پس از رحلت رسول خدا (ص) در مسجد پیغمبر (ص) می‌نشست و به امید دیدار پیشوای پنجم علیه‌السلام و در انتظار رسیدن آن لحظه‌ی موعود برای رساندن سلام رسول اکرم (ص) فریاد برمی‌آورد: «یا باقر العلم» «یا باقر العلم» ای شکافنده‌ی علم، ای شکافنده‌ی دانش. مردم مدینه - که به این راز آگاه نبودند - می‌گفتند: جابر (بر اثر پیری و ضعف نیروی اندیشه) هذیان می‌گوید.

جابر در پاسخ آنان می‌گفت: نه به خدا هذیان نمی‌گویم ولیکن از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمودند:

تو به‌زودی مردی از خاندان مرا درک خواهی کرد که نام او من و شمایل او شمایل من است، علم و دانش را می‌شکافد»

من بر اساس پیشگویی پیامبر (ص) این سخن را بر زبان می‌آورم.

جابر عمری دراز یافت تا این که - طبق نقل امام صادق (ع) - روزی امام باقر (ع) به نزد وی رفت و بر او سلام کرد. جابر جواب سلام را داد و چون نابینا بود پرسید: چه کسی هستی؟ فرمود: محمد بن علی بن الحسین. جابر گفت: فرزندانم پیش بیا، امام (ع) نزدیک رفت. جابر دست امام (ع) را بوسید و خود را روی پای وی انداخت، می بوسید و می گفت: رسول خدا (ص) تو را سلام رسانده است...؛ و از آن پس جابر پیوسته خدمت امام (ع) می رسید و از محضر پرفیضان استفاده می کرد: «بحار، ج ۴۵، ص ۲۹۴»

هم چنین در پیشگویی ولادت حضرت مهدی علیه السلام آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا»
(همان، ج ۳۶، ص ۳۰۹)؛

«مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است و او از لحاظ جسمی و روحی و اخلاق شبیه ترین مردم به من است»

در بین امام زادگان تنها حضرت معصومه سلام الله علیها است که ۴۵ سال پیش از تولدش امام صادق علیه السلام در ملاقاتی که با یکی از اصحاب داشت تولدش را با جزئیات این چنین پیشگویی نمود و خطاب به آن شخص فرمودند: «تعجب نکن! این کودک فرزند من، موسی است. خداوند از او دختری به من عنایت کند که نامش فاطمه است، او در سرزمین قم به خاک سپرده می شود و

هر کس او را در قم زیارت کند، بهشت بر او واجب است” (منهاج الدّموع ص ۴۴۱)

۲. «عالمه غیر متعلمه»

دومین خصوصیت عرشی حضرت معصومه سلام الله علیها «عالمه غیر متعلمه» است.

به این معنا که هرچند علوم اکتسابی غیرحضورى نیازمند به تعلیم، آموزش و مکتب دیدن است؛ ولی از خصوصیت معصومین علیهم السلام این است به دلیل اینکه آنان مظهر اسماء الحسنی و تجلی صفات جمال و جلال الهی هستند همه سنخ و جنس علومشان از جنس علم حضورى ولدنی است.

حضرت معصومه هرچند پیامبر و امام نیست؛ ولی شواهد و قراینی وجود دارد که تأیید می کند که ایشان نیز در همین سن کوتاه خودشان، آن چنان در سلوک معنوی طی طریق کرده بودند که مظهر اسماء الحسنی شده بودند و علوم اکتسابی برای آن حضرت از سنخ و جنس علم حضورى شده بود و شخصیت «معلمه غیر متعلمه» داشتند که مکتب نرفته و معلم ندیده بر علوم احاطه داشتند. از همین رو از آیت الله مستنبط (ره) از علمای معروف نجف اشرف، نقل شده که گفت:

از کتاب «کشف اللّالی» که نسخه خطی آن در کتابخانه شوشتری های نجف

موجود است، روایت شده:

روزی جمعی از شیعیان برای دریافت پاسخ پرسش‌های خود، به محضر امام کاظم (ع) رهسپار شدند، آن حضرت مسافرت بودند، پرسش‌های خود را نوشتند و به افراد خانواده امام کاظم (ع) تحویل دادند تا در سفر بعد به آن نائل شوند.

هنگام خداحافظی دیدند حضرت معصومه (س) پاسخ پرسش‌های آن‌ها را نوشته و آماده کرده است، آن‌ها شادمان شدند و آن را گرفتند.

هنگام مراجعت در مسیر راه با امام کاظم (ع) ملاقات نمودند و ماجرا را به عرض رساندند، امام آن نوشته را از آن‌ها طلبید و مطالعه کرد و پاسخ‌های حضرت معصومه (س) را درست یافت، سه بار فرمودند:

فداها ابوها؛ پدرش به فدایش باد (بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸).

این موضوع در زمانی رخ داد که حضرت معصومه (س) خردسال بودند و در این هنگام حدود ده سال سن داشتند. این ماجرا انسان را به یاد حضرت فاطمه زهرا (س) می‌اندازد که پیامبر اکرم (ص) در شان او مکرر فرمودند: «فداها ابوها؛ پدرش به فدایش باد» (بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸).

۳. «تجلی شخصیت زن با هویت اسلامی»

سومین خصوصیت عرشی حضرت معصومه سلام الله علیها که می‌تواند الگو

واسوه زنان باشد «تجلی شخصیت زن با هویت اسلامی» است، چراکه در تعریف و تفسیر زن چند تفسیر بین (افراط و تفریط) و (موسع و مضیق) وجود داشته و دارد:

یک نظر بسته و متحجرانه بر این است زن در نظام هستی آفریده شده تا تولیدمثل کند و هیچ حق اجتماعی ندارد و نبایست از چهاردیواری خانه خارج شود. در مقابل روشنفکر مابانه متأثر از قرائت غربی‌ها است و آن این که زن آزاد کامل است و می‌تواند تا مرز برهنگی در صحنه اجتماع حضور پیدا کند.

ولی حضرت معصومه (س) باشخصیت اسلامی خود تفسیر سومی از هویت زن را در پیش روی همه قرار داده است و آن این که زن شایسته آن بانویی است حضور در اجتماع به هیچ وجه آسیبی به عفت و پاکدامنی وی نزند، عفت و پاکدامنی هم مانع از حضور در اجتماع و نقش آفرینی وی نشود و این دور در صورتی قابل جمع است که زن به گونه‌ای در جامعه حضور پیدا کند که شخصیتش کانون توجه مردان قرار بگیرد؛ نه اندام فیزیکی زنانه وی و هم چنین وی نیز توجه به شخصیت مردان نگاه و نظر داشته نه اندام فیزیکی شخص مردان. چراکه حضرت زهرا (س) در پاسخ به همین پرسش که زن عقیف چه مشخصه‌ای دارد فرمودند:

«خَيْرُ النِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ». بهترین زن، زنی است که مردان را نبیند و مردان هم او را نبینند: مکارم الاخلاق، ص ۲۳۰

با همین شخصیت زنانه اسلامی است که در سن بیست و هشت سالگی در حالی که مجرد بود با کاروانی از مردان سفر هزار کیلومتری از مدینه تا طوس را در پیش گرفتند تا به امام زمانش پیوندند و این پیامی در خود داشت که زن می‌تواند در عین اجتماعی بودن، عفیف و محجب باشد و در عین محجب و عفیف بودن، اجتماعی باشد.

۴- «ولایت مداری»

چهارمین خصوصیت عرشی حضرت معصومه سلام‌الله علیها که می‌تواند الگو و اسوه برای همه پویندگان روش و منش آن حضرت در هر عصر و زمانه‌ای باشد «ولایت مداری و تبعده امام زمانش» است.

به این معنا که در شرایطی بس سخت که حضرت رضا علیه‌السلام از چند جبهه موردتهاجم قرار گرفته بودند که از یک سو واقفیه به بهانه اینکه ۴۲ سال از عمر امام علیه‌السلام می‌گذشت ولی صاحب فرزند نشده بودند؛ در حالی که امامت بایست از نسل امام استمرار پیدا کند؛ منکر امامت امام شده بودند،

و برخی دیگر از بستگان امام علیه‌السلام با القاء شبهه واقفیه که امام جواد علیه‌السلام چهره‌اش گندمگون است و هیچ امامی چنین چهره‌ای نداشتند منکر فرزند بودن امام بودند که با آوردن عالم قیافه‌شناس و شهادت وی این فتنه پایان یافت و از طرف سوم برادر دیگر امام "زید النار" با متهم کردن امام به کندروی و سازش با خلیفه بنی‌العباس قیام خشونت‌زایی به راه انداخته بود و

در مقام رقابت با آن حضرت قرار داشت و مأمون هم نیز با متهم کردن امام علیه‌السلام به قیام در مقام احضار آن حضرت به مرو بود، در این میان شک و تردید حضرت معصومه سلام‌الله علیها از جمله طلایه‌داران تعبد به ولایت حضرت رضا علیه‌السلام است به‌گونه‌ای بی‌قرار ایشان بودند که فراقشان را تحمل نکردند و پیمودن راه سخت چند هزار کیلومتری مدینه تا مرو را در پیش گرفتند تا به امام زمانش برسند و در حضورشان مشرف شوند.

۵- «اولویت‌بندی در سلوک زندگی»

پنجمین خصوصیت عرشی حضرت معصومه سلام‌الله علیها «اولویت‌بندی در سلوک زندگی» است.

به این معنا هرچند ازدواج سنت اسلامی است و به‌شدت بر انجام آن تأکید شده است که قرآن کریم فرمان به انجام داده و می‌فرماید:

“وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ” (نور آیه ۳۲)

باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان خود را به نکاح درآورید. اگر آنان فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد ساخت؛ زیرا خداوند وسعت‌دهنده و داناست.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»
(بحار، ج ۹۳، ص ۲۲۰).

ازدواج سنت من است؛ هر کس از سنت من رو بگرداند، از من نیست.
با این همه تأکیدات اسلامی، حضرت معصومه سلام الله علیها که واقف بر این
دستور مؤکد اسلامی بودند
با اینکه بیست و هشت سال از عمر مبارکشان می گذشت مجرد ماندند و ازدواج
نکردند و در اولویت سیره و سلوک آن حضرت قرار نگرفت.
از همین رو محققین در تحلیل این سیره و چرایی ازدواج نکردن حضرت چند
احتمال داده اند:

الف - وصیت موسی بن جعفر (ع)

احتمال اول این است امام کاظم علیه السلام وصیت به ازدواج نکردن دختران
خود نموده بود.

از همین رو یعقوبی می نویسد:

”موسی بن جعفر را هیجده پسر و ۲۳ دختر، پسران عبارت بودند از: علی رضا،
ابراهیم، عباس، قاسم، اسماعیل، جعفر، هارون، حسن، احمد، محمد، عبیدالله،
حمزه، زید، عبدالله، اسحاق، حسین، فضل و سلیمان.

موسی بن جعفر وصیت کردند که دخترانشان شوهر نکنند و هیچ کس از آنان شوهر نکرد، مگر ام سلمه که در مصر به ازدواج قاسم بن محمد بن جعفر بن محمد درآمد و در این باره میان قاسم و خویشاوندانش جریان سختی پیش آمد؛ تا آنجا که قاسم قسم خورد که جامه از وی دور نکرده است و جز آنکه عقد موقتی بسته شده برای محرمیت در مسیر رفتن به حج رفتن منظوری نداشته است." (تاریخ یعقوبی، ترجمه آیتی، ج ۲، ص ۴۲۱)

این گزارش یعقوبی از دو جهت صحیح نیست، شواهد و قرائن بر جعلی و ساختگی آن دلالت دارد، چراکه:

اولاً: چنین وصیتی برخلاف نص قرآنی و سنت رسول الله (ص) و سیره امامان اهل بیت عصمت و طهارت است و هرگز چنین وصیتی از امام معصوم صادر نمی شود.

ثانیاً: متن وصیت حضرت موسی بن جعفر غیر از آن چیزی است که یعقوبی ادعا دارد. برای قضاوت در این زمینه، ابتدا متن وصیت حضرت را مرور می کنیم.

ابراهیم بن عبدالله از موسی بن جعفر (ع) نقل کرده که آن حضرت جمعی را مانند اسحاق بن جعفر، ابراهیم بن محمد و جعفر بن صالح و ... را بر وصیت خود شاهد گرفتند و فرمودند:

” أَشْهَدُ هُمْ أَنَّ هَذِهِ وَصِيَّتِي ... أَوْصَيْتُ بِهَا إِلَى عَلِيِّ ابْنِي ... وَ إِنِّي أَرَادَ رَجُلًا مِنْهُمْ أَنْ يُزَوِّجَ أُخْتَهُ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُزَوِّجَهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ أَمْرِهِ ... وَ لَا يُزَوِّجَ بِنَاتِي أَحَدًا

مِنْ إِخْوَتِهِنَّ وَ مِنْ أُمَّهَاتِهِنَّ وَ لَا سُلْطَانَ وَ لَا عَمَلَ لِهِنَّ إِلَّا بِرَأْيِهِ وَ مَشُورَتِهِ، فَإِنْ
فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ خَالَفُوا اللَّهَ تَعَالَى وَ رَسُولَهُ (ص) وَ حَادُّوهُ فِي مُلْكِهِ وَ هُوَ أَعْرَفُ
بِمَنَالِحِ قَوْمِهِ إِنْ أَرَادَ أَنْ يَزُوجَ زَوْجًا، وَ إِنْ أَرَادَ أَنْ يَتْرَكَ تَرْكَ...” (بحار، ج ۴۸،
ق ۲۷۶)؛

شاهد می‌گیرم آنها را که این وصیت من است که به فرزندم علی وصیت
کرده‌ام... (از جمله وصیت این است) اگر مردی از شما خواست خواهرش را
شوهر دهد، این حق را ندارد، مگر با اجازه و فرمان او (علی) و نه دختران من
(حق دارند) که یکی از خواهران خود را شوهر دهند و یا مادران آنها و نه
سلطانی و نه کاری برای آنها انجام دهد، مگر اینکه با نظر و مشورت او (علی)
باشد. اگر بدون اجازه او به چنین کاری اقدام کنند، به راستی با خدا و رسولش
مخالفت و در سلطنت او منازعه کرده‌اند و او (حضرت رضا) به مصالح قومش
در امر ازدواج آگاه‌تر است. اگر خواست به کسی شوهر دهد، شوهر می‌دهد و
اگر خواست رد کند، رد می‌کند.

در این وصیت‌نامه، حضرت موسی بن جعفر (ع) با صراحت به فرزندان اعلام
می‌دارند که حجت خدا بعد از او علی بن موسی (ع) است و خواهران باید در
هر کاری از جمله مسئله ازدواج از او اطاعت کنند و هر فردی را که علی بن
موسی علیه‌السلام مناسب دیدند، آنان با او ازدواج کنند؛ چراکه آن حضرت به
مسائل ازدواج آگاه‌تر و به وضعیت بستگان آشنایان آشنا تر است.

در اینجا هرگز سخن از ترک ازدواج دختران موسی بن جعفر و خواهران حضرت رضا (ع) نیست؛ سخن در این است که بر ازدواج آنان حضرت رضا (ع) باید نظارت داشته باشد. (حیاه الامام موسی بن جعفر، ج ۲، ص ۹۷)

ب- (کفو نداشتن)

نظریه دوم این است که دختران حضرت موسی بن جعفر مخصوصاً فاطمه معصومه (س) از نظر کمالات در حد بالایی قرار داشتند و کسی همسنگ و همسر آنها پیدا نمی‌شد و یکی از اموری که در تزویج دختر مورد توجه قرار می‌گیرد، هم کفو بودن است.

این نظریه نیز نمی‌تواند قابل تأیید باشد؛ چراکه:

اولاً: سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام این نبوده که دختران خود را به جهت پیدا نشدن همسنگ در خانه نگه‌دارند و مانع ازدواج آنان شوند؛ بلکه آنان، هم در قول و هم در عمل خود، مؤمن و مؤمنه کفو یکدیگر می‌دانستند.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت فرمودند:

“هرگاه کسی به خواستگاری دختر شما آمد که دین‌داری و امانت‌داری او را می‌پسندید (هرچند در حد دختر شما نباشد) شوهر دهید و اگر شوهر ندهید، در زمین فتنه و فساد بزرگ بر پا می‌شود.” (منتخب میزان الحکمه، ص ۲۳۴)

ثانیاً: در عصر امام کاظم (ع) جوانان شایسته‌ای از تبار امام حسن مجتبی (ع) و حضرت سیدالشهدا (ع) و نیز در میان شیعیان افرادی وجود داشتند که می‌توانستند همسران مناسب آنان باشند.

ج- (خفقان و ناامنی هارونی)

احتمال سوم آن است که اختناق هارون‌الرشید و وجود خفقان در آن دوران، چنان شدید بود که حتی کسی جرئت نداشت برای پرسیدن مسائل شرعی به در خانه موسی بن جعفر (ع) مراجعه کند تا چه رسد به اینکه به‌عنوان داماد آن حضرت رفت‌وآمد دائمی با خانواده موسی بن جعفر (ع) داشته باشد؛

چراکه همین ارتباط نسبی زمینه‌ای را فراهم می‌ساخت تا هارون به اذیت و آزار او پردازد. البته باینکه هارون در مواردی تظاهر به دین‌داری می‌کرد، ولی ستمگری بی‌رحم بود.

یکی از مورّخین می‌گوید: هارون هنگام شنیدن وعظ از همه بیشتر اشک می‌ریخت و در هنگام خشم و تندی از همه ظالم‌تر بود. (الآغانی، ج ۵، ص ۲۴۱) و همین مرد دو هزار کنیز داشت که سیصد نفر آنان مخصوص آوازخوانی و رقص و خنیاگری بودند. (تاریخ تمدن جرجی زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، ص ۱۶۲)

شیعیان در عصر خلافت هارون در تنگنا و فشار قرار داشتند و کسانی چون علی بن یقطين در تقیه به سر می‌بردند و کوچک‌ترین حرکاتشان زیر نظر بود.

نمونه بارز آن داستان لباسی است که هارون به علی بن یقطين داد. این لباس ویژه خلفا بود و علی بن یقطين آن را به موسی بن جعفر (ع) اهدا کرد. حضرت آن را قبول نکردند و فرمودند:

این لباس را نگهدار و از دست مده؛ زیرا در حادثه‌ای که برایت پیش می‌آید، به کار می‌آید.

چندی بعد یکی از خدمتگزاران علی بن یقطين، نزد هارون شکایت کرد و گفت: لباس مخصوص را به موسی بن جعفر اهدا کرده است.

هارون بلافاصله او را احضار کرد و از لباس پرسش کرد. او گفت: آن را در بقچه‌ای نگه داشته‌ام.

هارون دستور دارد تا فوراً آن را بیاورد. وقتی که نگاهش به لباس افتاد، گفت: بعد از این هرگز سخن سعایت کننده‌ای را درباره تو باور نخواهم کرد. (الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۹۳)

این‌گونه قضایا نشان می‌دهد که ارتباط موسی بن جعفر (ع) کنترل می‌شد و از طرفی زندانی شدن امام نیز، انگیزه خواستگاری از دختران آن حضرت را کاهش می‌داد. بعد از شهادت امام وحشت بیشتری بر مردم حاکم شد و حضرت رضا

(ع) نیز تحت نظر قرار گرفت. در زمان مأمون آن حضرت به خراسان احضار شد و بعد از یک سال، حضرت معصومه (س) و جمعی از برادران او به خراسان حرکت کردند، اما در راه، حضرت معصومه (س) پیش از دیدن برادر، دار فانی را وداع کرد و امر ازدواج او هم تحقق نیافت.

بنابراین راز عدم ازدواج حضرت معصومه و خواهران او را نه در وصیت پدر باید جستجو کرد و نه در نبود همسر متناسب و هم‌کفو، علت آن، وجود اختناق شدید هارونی و مأمونی بود که باعث شد احدی جرئت نکند به راحتی به خانه موسی بن جعفر و بعد از او فرزندش رفت و آمد داشته باشد و داماد آن خانواده گردد.

از طرف دیگر، زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر (ع) و سرانجام شهادت او و احضار شدن حضرت رضا (ع) به خراسان و دور افتادن از خواهران، مزید بر این علت بود که حضرت معصومه سلام الله علیها ازدواج را در اولویت زندگی قرار دهند و مجرد بمانند.

۶. «فاطمه معصومه (س)، تجلی تجلیات»

ششمین خصوصیت حضرت معصومه سلام الله «تجلی همه تجلیات» است.

به این معنا که با درک محضر سه معصوم امام موسی بن جعفر، امام رضا، امام جواد علیهم السلام آن چنان درخشید که در بین امامزادگان تجلی همه ائمه

معصومین علیهم السلام قرار گرفت، چراکه امامزادگان به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول؛

امامزادگانی هستند هرچند فرزند امام معصوم‌اند؛ ولی به دلایل مختلف از آن فضای نورانی و ملکوتی حظ و بهره‌ای نبردند؛ بلکه انحراف پیدا کردند و از مسیر ولایت خارج شده‌اند.

همچون عبدالله افطح فرزند بزرگ امام صادق (ع) که مدعی امامت شد و یا جعفر کذاب فرزند امام هادی (ع) که مدعی امامت بود و بنابر برخی از گزارشات آلوده به مفساد اخلاقی شد.

دسته دوم؛

که اکثر امام زادگان را تشکیل می‌دهد، کسانی اند هرچند آن‌گونه که انتظار می‌رفت کانون توجه قرار نگرفتند؛ ولی در مسیر ولایت و امامت قرار داشتند و صاحب حرمت و قداست‌اند که شش هزار نفر آنان در جای‌جای ایران مدفون‌اند.

دسته سوم؛

امامزادگانی هستند نه تنها به شدت درخشیدند؛ بلکه کانون توجه قرار گرفتند و

صاحب قبه و حرم شدند؛ ولی حرم آنان، حرم آن کشور و بلد و شهری قرار گرفت که در آن مدفون شدند.

سید محمد فرزند امام هادی (ع) در بلدیه سامرا، حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری از جمله این دسته از امامزاده گانند.

دسته چهارم؛

امامزادگانی اند، آن چنان درخشیدند نه تنها کانون توجه قرار گرفتند بلکه مظهر تجلی همه اهل بیت (ع) شدند و حرم آنان حرم تمام اهل بیت (ع) قرار گرفته و توجه به قبه آنان، توجه به قبه و حرم همه اهل بیت (ع) شده است.

از همین رو امام صادق (ع) در توصیف حضرت معصومه (ع) فرمودند:

“إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ أَلَا وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ أَلَا وَ إِنَّ قُمَّ الْكُوفَةَ الصَّغِيرَةَ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قُمَّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ”

خداوند حرمی دارد که مکه است پیامبر حرمی دارد و آن مدینه است و حضرت علی (ع) حرمی دارد و آن کوفه است و قم کوفه کوچک است که از ۸ درب بهشت، سه درب آن به قم باز می شود؛ زنی از فرزندان من در قم از دنیا می رود

که اسمش فاطمه دختر موسی (ع) است و به شفاعت او همه شیعیان من وارد بهشت می‌شوند. (بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸، ح ۵۹)

۷- «روشن‌بینی و بصیرت»

هفتمین خصوصیت حضرت معصومه «روشن‌بینی و بصیرت» و «موقعیت‌شناسی» است و هر کس از چنین خصیصه‌ای برخوردار نباشد قطعاً از همراهی با امام زمانش بازخواهد ماند.

چراکه بصیرت و روشن‌بینی در تشخیص تکلیف در برابر موقعیت‌ها سه مرتبه دارد:

مرحله نخست از بصیرت آن است؛ در آن شرایطی که غبار فتنه بلند شده، حق و باطل در برابر هم قرار گرفتند، اهل بصیرت کسانی اند حق را از باطل شناخته و در تشخیص حق از باطل متحیر و معطل نمی‌مانند.

مرحله دوم از بصیرت آن است؛ اهل بصیرت پس از شناخت حق از باطل در تشخیص زمان نصرت رساندن و همراهی با حق به هیچ‌وجه خطا نمی‌کنند و گرفتار خطا توأبین نمی‌شوند که یقین داشتند حسین بن علی (ع) حق و یزید باطل است؛

ولی در زمان نصرت رساندن به سید الشهداء (ع) گرفتار خطا محاسباتی شده بودند و زمانی به فکر جبران خطا شده بودند که دیگر فایده نداشت.

مرحله سوم بصیرت آن است؛ به هنگام نصرت رساندن به حق کم نیورد و حاضر شود از جان، مال، فرزند و آبروی خودش هزینه کند.

همچون بلال و ابوذر برای پیامبر (ص) و قنبر، میثم، عبدالله بن خباب، رشید هجری و حجر بن عدی برای امام علی (ع) که از همه هستی شان در راه ولایت هزینه کردند.

آنچه حضرت معصومه (س) را به فاطمه ثانی تبدیل نمود بصیرت در این سه عرصه بصیرت است؛ چراکه فتنه و شبهه ای که واقفیه راه انداخته بودند و انکار امامت حضرت رضا (ع) را می نمودند، ایشان حق را شناخت و در امامت حضرت رضا (ع) تردید نکردند.

در همراهی و نصرت رساندن امام زمان خویش بازماندند؛ بلکه کاروانی با امیری خود به راه انداختند و عازم طوس شدند تا به امامشان پیوندند و از هزینه کردن جان خویش نیز کوتاهی نکردند؛

بلکه یک زن با جمعی از مردان سفر پرخطری را به جان خرید که بنابر بعضی از گزارشات در ساوه مورد کمین دشمنان قرار گرفتند و جمعی از همراهان به شهادت رسیدند.

۸ «اوج عرفان و سلوک»

هشتمین خصوصیت حضرت معصومه سلام الله علیها «عرفان و عبادت عاشقانه»

است که ایشان را سرآمد همه عارفان و عاشقان در عبادت قرار داد.

چراکه عبادت کنندگان سهم و حظشان از عبادت به اندازه معرفت و سلوک فکری و درک و دریافت از عبادت است.

از همین رو عبادت کنندگان به سه دسته تقسیم می شوند:

دسته اول؛

کسانی اند هیچ دریافتی از مفاهیم بلند و عارفانه از اذکار و افعال عبادت چون نماز ندارند؛ ولی به هنگام به عبادت، به این حقیقت واقفاند که در برابر موجود مقدس و بزرگی ایستاده اند؛

همانند دانش آموزی که مقاله ای در برابر بزرگی می خواند، هرچند مفاهیم آن مقاله را نمی فهمد، ولی این را می یابد که در مقابل شخص بزرگی ایستاده است.

دسته دوم؛

کسانی اند نه تنها می دانند در مقابل موجود برتر ایستاده اند بلکه فلسفه هر یک از اذکار و افعال را خوب می یابند و غرق و محو در زیبایی معنوی هر یک از اذکار و افعال می شوند و سهمشان در این لذتی است که می برند.

دسته سوم؛

کسانی اند به هنگام عبادت علاوه بر دو سلوک پیشین آن چنان محو تماشای جمال و جلال الهی می شوند که همه وجودشان عبادی می شود،

به گونه‌ای که در حدیث قدسی آمده است:

“سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَ لِمُحَارَبَتِي وَ مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْإِنْفَالِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَحْبَبْتُهُ.”

از امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل شده که خدای عز و جل فرموده: هر که ولی مرا اهانت کند در کمین جنگ با من است و کسی به من تقرب نجوید به چیزی دوست تر نزد من از انجام آنچه به او واجب کردم و راستش که با انجام نافله به من تقرب جوید تا دوستش دارم و چون دوستش داشتم گوش او باشم که با آن شنود و چشمش که با آن بیند و زبانش که با آن گوید و دستش که با آن کوبد اگر دعایم کند اجابت کنم و اگر هم خواهش کند به او بدهم.
(الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲)

هفته روز به اعتکاف نشستن حضرت معصومه سلام الله علیها در محله (ستیه) قم که امروز به عبادتگاه «بانو» شهرت پیدا کرده است او را آنچنان به عروج ملکوتی و قدسی رساند، نه تنها صاحب کرامت شد بلکه آنچنان پیش رفت، همه کسانی که قصد ورود به حرمش دارند در هر مرتبه‌ای قرار داشته باشند، از

همان راه دور و پیش از رسیدن به مضجع شریفش تا خود را منطبق با وی نکنند که حداقل آن وضو داشتن است، اذن دخول داده نمی‌شود.

شاید راز و سرّ این که سه در از هشت در بهشت از قم باز می‌شود همین باشد که بسیاری از مردم به برکت وجود آن حضرت راه به بهشت می‌یابند.

۹- «وجود با برکت در مقیاس جهانی»

نهمین خصوصیت حضرت معصومه سلام‌الله علیها «وجود با برکت در مقیاس جهانی» است،

به این معنا هر چند آن حضرت عمر طویل نداشتند؛ ولی عمر عریض با برکت ابدی در مقیاس جهانی دارند، چرا که به دلیل داشتن اخلاص ویژه، از همان آغاز مدفون در شهر قم، قبه و مضجع شریف شان کانون توجه خواص و نخبگان شیعه قرار گرفت و حوزه علمیه که مرکز تحصیلات و تحقیقات علوم دینی است در جوار قبه و تربت آن حضرت تاسیس شد.

هر چه از عمر این مرکز علمی و دینی گذشت بر وسعت آن هم از نظر جذب طلاب و علوم دینی، وهم وسعت تحقیقات و نشر معارف دینی و اعزام نیروی کارآمد و متخصص در سراسر جهان افزوده شد و گسترش یافت،

تاجایی که در چهل سال اخیر به برکت وجود آن حضرت، یکی از ذریه های رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله عارف، حکیم، فقیه و سیاست مدار استثنایی حضرت

امام خمینی رضوان الله علیه، با انقلاب اسلامی در ایران نه تنها تلاش و جهاد ۲۵۰ ساله ائمه اطهار علیهم السلام را به نتیجه رساند و موفق به تشکیل نظام و حکومت اسلامی در ایران شد و قم به برکت این نظام اسلامی که در حقیقت به برکت مضجع شریف حضرت معصومه سلام الله علیها است کانون توجه همه ملت های جهان قرار گرفت.

آن هم به گونه ای که امروز همه جهانیان اسلام را با شناسنامه انقلاب اسلامی ایران و مرامنامه تشیع می شناسند و امروز کسی بخواهد مسلمان شود نمی شود مگر با مذهب شیعه مسلمان می شود.

۱۰- «بانویی صاحب کرامت»

دهمین خصوصیت حضرت معصومه سلام الله علیها مقام «توسل» و «صاحب کرامت» بودن آن حضرت است، توضیح همه جانبه این خصوصیت عرشی و قدسی، مبتنی بر بیان چند نکته است:

نکته اول:

هرچند معجزه و کرامت در خارق العاده بودن مشترکند ولی از چند جهت باهم فرق دارند همین موجب می شود که بگوییم: هر صاحب معجزه ای صاحب کرامت است؛ ولی هر صاحب کرامت صاحب معجزه نیست و آن این که:

اولاً: معجزه همراه با ادعای نبوت و امامت همراه است و صاحب معجزه آن عمل خارق العاده را انجام می‌دهد تا مردم او را به‌عنوان پیامبر و امام تصدیق کنند، پیامبر اکرم قرآن را می‌آوردند تا مردم نبوتش را بپذیرند و امام سجاد از کعبه می‌خواهند تا امامت شان را تصدیق کنند تا محمد حنفیه، امامت شان را تصدیق نماید.

ثانیاً: معجزه همراه با تحدی و مقابله به مثل است پیامبر اکرم (ص) برای همیشه تاریخ می‌فرمایند:

“فاتوا بسوره من مثله”

و حضرت امام سجاد (ع) به عمویش می‌فرمایند:

“اگر تو امامی از کعبه بخواه تا امامت تو را تصدیق کند”

ثالثاً: معجزه در جایی معنا پیدا می‌کند که جنبه هدایت و ارشاد وجود دارد و به همین دلیل امام و پیامبر به دنبال مردم می‌روند؛ ولی کرامت اصولاً در جایی است مردم شخص را باور دارند؛ ولی با توسل به صاحب کرامت می‌خواهند گره کور در زندگی شان باز شود.

نکته دوم:

منشا و بالذات معجزه خدا است، طبیعی است خدایی که بنده ای را مامور به

رسالتی کرد بایست چنین قدرت ولایی و تکوینی را در او ایجاد کند تا مردم ادعای وی را بپذیرند والا نقض غرض خواهد بود؛

ولی در کرامت این بنده است که با سلوک و تقربش به جایی می رسد که می شود مظهر اسماء الحسنی و آینه جمال و جلال الهی و صبغه و رنگ الهی پیدا می کند، هر چند اتحاد با ذات و صفات خدا پیدا نمی کند؛ ولی آثار صفات حق تعالی در او متجلی می گردد و او هرگز خداوندگار نیست و خالق نظام هستی نمی باشد؛ ولی خداوندگار است و به اذن حق تعالی همان کار خدا را می کند.

از همین رو مسیح می فرماید:

“أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ” (آل عمران، آیه ۴۹)

نکته سوم:

قرآن کریم همان گونه که از کریمی چون مسیح صاحب معجزه نام می برد و در آیه (۴۶) سوره آل عمران می فرماید:

“وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ”

آن فرزندی که به تو بشارت داده شد در گهواره، (به اعجاز) و در میانسالی (به وحی) با مردم سخن می گوید و از شایستگان است.

در همان حال از کریمه ای چون مریم صاحب کرامت نام می برد و در آیه (۳۷) می فرماید:

“كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا
قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ”

هرگاه زکریا در محراب عبادت بر مریم وارد می شد، خوراکی (شگفت آوری) نزد او می یافت. می پرسید: ای مریم این (غدا و خوراک تو) از کجاست؟! مریم در پاسخ می گفت: آن از نزد خداست. همانا خداوند به هرکس که بخواهد بی شمار روزی می دهد.

از اینکه قرآن کریم کرامت حضرت مسیح را در کنار کرامت حضرت مریم قرار داده است می یابیم که از نظر قرآن کریم جنسیت زن یا مرد در خارق العاده بودن کرامت و معجزه دخالت ندارد، آنچه زمینه سازاست تعبد و قرب به خداست.

حضرت معصومه سلام الله علیها هرچند پیامبر و امام نیست؛ ولی در کرامت و مقام توسل در تراز معصومین علیهم قرار دارد و کمتر کسی است در مقام “اضطرار و انقطاع” قرار داشته باشد و توسل به آن حضرت شود ولی مورد لطف کرامت آن حضرت قرار نگیرد، توسل و حاجتش برآورده نشود و گره کور در زندگیش گشوده نشود.

۱۱- «مقام عصمت»

یازدهمین خصوصیت حضرت معصومه سلام الله علیها «مقام عصمت» است. به این معنا هرچند از نظر کلامی عصمت علمی و عملی مختص انبیاء و ائمه علیهم السلام است، ولی از نظر

عقلی هیچ مانعی ندارد اولیاء الهی که در سلوک به عالم قدس به بالاترین این مرتبه رسیده اند آنان نیز دارای «مقام عصمت» باشند،

چراکه منشا خطاء اشتباه علمی در علوم اکتسابی در این است که واسطه در کسبش حواس پنج گانه است که خطاء پذیراست، اما کسانی که علم اکتسابی آنان به دلیل وصل به عالم قدس حضوری است و بین عالم و معلوم واسطه ای در میان نیست دارای «عصمت علمی» خواهند بود.

و همچنین خطاء در رفتار و لغزش عملی ریشه در تمایلات نفسانی دارد، کسانی که این تمایلات را در خود میرانده اند برخوردار از «مقام عصمت عملی» خواهند بود، حضرت معصومه سلام الله علیها از جمله این دسته از اولیاء الهی و نمونه عالی از طهارت و پاکی است.

از همین رو امام علی بن موسی الرضا علیه السلام زیارت آن حضرت را به منزله زیارت خود که امام معصوم است دانسته و فرمودند:

“مَنْ زَارَ الْمُعْصِمَةَ بِقَمِ كَمَنِ زَارَنِي” هر کس حضرت معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، همانند آن است که مرا زیارت کرده است.

با توجه به اینکه نام آن حضرت فاطمه است، حضرت رضا علیه السلام ایشان را با عنوان معصومه خطاب می کنند و از آن جایی که امام علیه السلام هرگز در توصیف شخصی مبالغه نمی کنند، می توان مقام عصمت را برای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ثابت کرد.

علاوه بر این داشتن مقام شفاعت نیز دلیل دیگر بر این است که آن حضرت معصوم است؛ زیرا کسی که در اثر جرم و عصیان و گناه، خود نیازمند به شفیع است، نمی تواند دیگران را شفاعت کند.

۱۲. «محدثه بودن حضرت معصومه سلام الله علیها»

دوازدهمین خصوصیت حضرت معصومه سلام الله علیها «محدثه» است.

به این معنا هرچند در تاریخ اسلام بانوان محدثه متعددی را در صفحات خویش جای داده است که این محدثات در عصر رسالت به ۴۵ نفر و در عصر امیرمؤمنان علی (ع) به سیزده نفر و همچنین راویان زن از فاطمه زهرا (س) به هفت نفر از امام حسن (ع) به چهار نفر، راویان زن از امام حسین به سه نفر، از امام سجاد (ع) به سه نفر، امام باقر (ع) چهار نفر، امام صادق (ع) ۳۳ نفر، امام کاظم (ع) به پنج نفر، امام رضا (ع) به هشت نفر و از امام جواد (ع) به پنج نفر و از امام هادی (ع) به سه نفر و از امام حسن عسکری (ع) به یک نفر می رسند.

با توجه به اختناق موجود در زمان امام موسی بن جعفر علیه السلام که نقل حدیث از معصوم علیه السلام بسیار سخت و دشوار بود.

با این وجود، از حضرت معصومه علیها السلام احادیثی نقل شده است که همه آن‌ها حول محور امامت و ولایت می چرخند و به نظر می رسد آن حضرت با بیان این احادیث، سعی در سوق دادن افکار جامعه به سمت امامت و ولایتی که در غربت مانده بود داشته است.

برای آشنایی با این خصیصه برجسته حضرت معصومه سلام الله علیها احادیثی را که آن حضرت نقل کرده و با سلسله سند خود، به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می رسند در اینجا می آوریم.

یکم- (حدیث غدیر و حدیث منزلت)

حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَزَيْنَبُ وَامْ كَلْثُومُ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قُلْنَ: حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَ سَكِينَةُ ابْنَتَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ امِّ كَلْثُومِ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَتْ:

” أنسيتم قول رسول الله يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه و قوله: أنت منى بمنزلة هارون من موسى عليه السلام ” (الغدیر، ج ۲، ص ۱۷۹):

آیا فراموش کرده اید سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را در روز غدیر خم که فرمود: من مولای هر که هستم، علی هم مولای اوست؛ و فرمود: تو (علی) برای من همانند هارون برای موسی علیه السلام هستی».

دوم- (بشارت به شیعیان علی علیه السلام)

به همان سندی که گذشت، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از فاطمه زهرا علیها السلام روایت کرده:

«سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم يقول: لَمَّا أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرِ مِنْ دَرِّهِ بِيضَاءٍ مَجُوفَةٍ وَعَلَيْهَا بَابٌ مَكْلَلٌ، بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ،

وَعَلَى الْبَابِ سِتْرٌ: فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْبَابِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَوَلِيُّ الْقَوْمِ. وَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى السِّتْرِ: بَخٍ بَخٍ مِنْ مِثْلِ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَدَخَلْتُهُ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرِ مِنْ عَقِيقٍ أَحْمَرَ مَجُوفٍ وَعَلَيْهِ بَابٌ مِنْ فَضِّهِ مَكْلَلٌ بِالزَّبْرِجَدِ الْأَخْضَرِ،

وَإِذَا عَلَى الْبَابِ السِّتْرُ، فَرَفَعْتُ رَأْسِي، فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى السِّتْرِ، شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ.

فَقُلْتُ: حَبِيبِي جِبْرَائِيلُ لِمَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ لِبْنِ عَمِّكَ وَوَصِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

طالب علیه السلام.

یحشر الناس کلهم یوم القیامه حفاه عراه إلا شیعه علی علیه السلام یدعی الناس بأسماء أمهاتهم إلا شیعه علی علیه السلام فانهم یدعون بأسماء آبائهم.

فقلت حبیبی جبرئیل: وکیف ذاک؟ قال: لأنهم أحبوا علیاً فطاب مولدُهم" (بحار، ج ۶۸ ص ۷۷ ح ۱۵)؛

کاخ از آن کیست؟ پاسخ داد: ای محمد صلی الله علیه وآله وسلم! این قصر برای پسر عمّ و وصیّ تو، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: پدرم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: شبی که مرا به آسمان - معراج - بردند داخل بهشت شدم. در آنجا قصری از درّ سفید دیدم که وسط آن خالی بود. آن قصر دری داشت که با درّ و یاقوت مزین شده و روی آن پرده ای بود. وقتی سرم را بلند کردم، دیدم بر بالای آن نوشته شده بود: «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله، علی ولی القوم؛ خدایی جز الله نیست، محمد فرستاده خدا و علی سرپرست قوم مسلمانان است».

به روی پرده نوشته بودند: به به، چه کسی همسنگ شیعه علی است. وقتی داخل قصر شدم، قصری دیدم از عقیقی سرخ که وسط آن نیز خالی بود، این قصر نیز دری داشت از نقره که با پرده ای از زبرجد سبز زینت شده بود. سرم را بلند کردم،

مردم در روز قیامت، همگی عریان و برهنه محشور می‌شوند، مگر شیعیان علی علیه‌السلام و همه را به اسم مادرانشان صدا می‌زنند، مگر شیعیان علی علیه‌السلام که به اسم پدرانشان صدا زده می‌شوند. پرسیدم: حبیبم جبرئیل! چرا این‌گونه می‌شود؟ فرمود: چون علی علیه‌السلام را دوست داشتند، لذا حلال زاده اند.

سوم - (ثواب دوستی آل محمد صلی الله علیه وآله)

“عن فاطمه موسى بن جعفر عليه السلام... عن فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ألا

من مات على حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ ماتَ شهيداً” (عوامل العلوم، ج ۲۲، ص ۳۵۴، ح ۳).

زمخشری این حدیث را در کتاب خود با تفصیل بیشتری بیان نموده و دنباله حدیث را چنین نوشته است:

“ألا و من مات على حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم بَشْرُهُ مَلِكُ المَوْتِ بِالجَنَّةِ ثم منكر ونكير.

ألا و من مات على حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم يَزِفُ الى الجَنَّةِ كما تزف العروس البيت زوجها.

ألا و من مات على حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم فتح له فى قبره بابان

الى الجنة. ألا ومن مات على حب آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم جعل الله
قبره مزار ملائكة الرحمة.

ألا ومن مات على حب آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم مات على السنه
والجماعه.

ألا ومن مات على بغض آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم جاء اليوم القيامة
(مكتوباً) بين عينيه آيس من رحمه الله.

ألا ومن مات على بغض آل محمد صلى الله عليه وآله مات كافراً؛ ألا و من مات
على بغض آل محمد لم يشم رائحه الجنة” (تفسير كشاف، ج ٤ ص ٢٢٠).

آگاه باشید هر کس بر محبت آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم بمیرد، ملک
الموت ونکیر ومنکر او را به بهشت بشارت می دهند و همانند عروسی که او را
برای خانه شوهرزینت داده‌اند او را برای بهشت زینت می دهند وزمانی که او را
در قبر می گذارند، دو در از درهای بهشت گشوده می شود و قبر او محل رفت
و آمد ملائکه رحمت می گردد. هر کس بر حبّ محمد و آل محمد صلى الله عليه
وآله وسلم بمیرد، بر سنت
و جماعت مرده است.

آگاه باشید هر کس که بر بغض آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم بمیرد، روز

قیامت می آید، در حالی که بین دو چشم او نوشته شده است: «مأیوس از رحمت خدا» و به حال کفر می میرد و هرگز بوی بهشت را استشمام نمی کند.

۱۳. «گسترده‌گی مقام شفاعت»

سیزدهمین خصوصیت حضرت معصومه سلام الله علیها «شفاعت» است.

البته در شفاعت حضرت چند ویژگی استثنایی وجود دارد که فهم درست آن نیاز به تأمل و دقت در چند نکته دارد:

اولاً: همان گونه که از محکمت قرآنی و روایی است که پیامبران و ائمه علیهم السلام از مقام و مرتبه شفاعت برخوردارند، وجود مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها از بین بانوان بعد از حضرت زهرا سلام الله علیها، به چنین مقام و مرتبه‌ای برخوردار است.

ثانیاً: شفاعت آن حضرت آن چنان گسترده است تمام کسانی که مقتضی شفاعت رادارند و مانعی چون حق الناس برای شفاعت آنان وجود ندارد مورد شفاعت قرار می گیرند.

از همین رو حضرت امام صادق فرمودند:

“أَلَا وَ إِنَّ قَمَّ الْكُوفَةِ الصَّغِيرَةَ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قَمَّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ” (بحار، ج ۵۷، ص ۲۲۸)

«قم کوفه کوچک ماست. برای بهشت هشت در است که سه در آن به سوی قم است. زنی در قم وفات می‌کند که از اولاد من و نامش فاطمه است. در روز قیامت با شفاعت او تمام شیعیان من وارد بهشت می‌شوند.»

ثالثاً: نه تنها شفاعت حضرت موجب مغفرت گناهکاران می‌شود؛ بلکه موجب ارتقاء رتبه شفاعت شوندگان نیز می‌شود، یعنی آن کسانی که به دلیل معصیت خارج از بهشتند شفاعت حضرت موجب مغفرت آنان می‌شود تا آنان بهشتی شوند و آن‌هایی که بهشتی و داخل بهشت‌اند هرچند از این جهت نیاز به شفاعت ندارند؛ ولی از جهت اینکه پیرو هادی و امامشان بودند به برکت وجود حضرت معصومه سلام‌الله علیها مورد شفاعت قرار می‌گیرند تا در مرتبه بهشت ارتقاء پیدا کنند.

از همین روست حضرت رضا (علیه‌السلام) نیز در زیارت‌نامه خواهر بزرگوارشان تعبیر به «اشفعی فی الجنه» نموده و به ما یاد داده تا این چنین بخوانیم:

«يا فَاطِمَةُ اِشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّأْنِ»

«ای فاطمه معصومه! در مورد رفتن به بهشت، مرا شفاعت کن، چراکه در پیشگاه خداوند، دارای مقام و منزلتی بس ارجمند هستی» (بحار، ج ۹۹، ص ۲۶۸)

۱۴. «زیارت و زیارت‌نامه»

چهاردهمین خصوصیت حضرت معصومه سلام‌الله علیها داشتن «زیارت‌نامه مأثوره» و «ترغیب به زیارت» آن حضرت از ناحیه امام معصوم علیه‌السلام است. چراکه:

اولاً: در بین امامزادگان بعد از حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام، حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها، تنها امامزاده‌ای است که امام معصوم علیه‌السلام برای زیارتش زیارت‌نامه انشاء کرده است.

چراکه حضرت امام رضا علیه‌السلام خطاب به سعد قمی می‌فرمایند:

«يَا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى (ع) قَالَ نَعَمْ مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» (تاریخ، قم، ص ۲۱۵)

«ای سعد! ما را قبری نزد شما هست؟ عرض کردم: فدایت گردم، منظورتان حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه‌السلام است؟ فرمود: بله، هر کسی او را درحالی که به حقش آشناست، زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود.»

ثانیاً: بعد از یارت معصومین علیهم‌السلام، زیارت هیچ‌یک از اولیاء الهی به‌اندازه و مرتبه زیارت حضرت معصومه سلام‌الله علیها ترغیب و تاکید نشده است و همین نشانگر عظمت و بزرگی آن حضرت است.

چراکه در روایت آمده است:

شیخ صدوق با سند صحیح از امام رضا - علیه السلام - در فضیلت زیارت
حضرت معصومه - سلام الله علیها - روایت می کند که فرمودند:

“من زارها فَلَهُ الْجَنَّةُ” (عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۷۱)

هر کس ایشان را زیارت کند بهشت از آن اوست.

ابن قولویه در کتاب بسیار ارزشمند «کامل الزیارات» که یکی از معتبرترین
کتاب های قرن چهارم است، با سند معتبر از امام جواد - علیه السلام - روایت
کرده است که فرمودند:

“من زارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ” (کامل الزیارات، ۲۲۴)

هر کس عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست.

شیخ حسن قمی در کتاب ارزشمند «تاریخ قم» از امام صادق - علیه السلام -
نقل کرده که فرمودند:

“انَّ زيارَتَها تَعادِلُ الْجَنَّةُ” (تاریخ قم، ۲۱۵)

زیارت حضرت معصومه همسنگ بهشت است.

ثالثاً: زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها معادل زیارت همه معصومین و
حرم آن حضرت حرم ائمه معصومین دانسته شده است و در روایت آمده است:

در روایتی ارزشمند از امام صادق (علیه السلام) این چنین نقل شده است:

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلْدَةُ قُمْ»

«همانا خداوند متعال حرمی دارد که شهر مکه است و رسول خدا حرمی دارد که شهر مدینه است و امیر المؤمنین حرمی دارد که شهر کوفه است و ما (اهل بیت) نیز حرمی داریم که شهر قم است» (بحار، ج ۵۷، ص ۲۲۶)

در این حدیث از این مکان‌ها به «حرم» تعبیر شده است که در آن معانی و مفاهیم مخصوصی نهفته است.

حرم جای مقدسی است که در آن گران‌بهاترین سرمایه‌ها را قرار می‌دهند و مرکز اسرار محسوب می‌شود.

بنابراین همان احترامی که خانه خدا دارد، در مراحل پایین‌تر برای سرزمین قم وجود دارد؛ یعنی مرکز اسرار اهل بیت عصمت و طهارت و مرکز علوم آل محمد (علیهم السلام) است.

زیارت‌نامه حضرت معصومه (سلام الله علیها) که از ناحیه‌ی امام معصوم وارد شده، با زیارت‌نامه دیگر ائمه در این جهت باهم متفاوت‌اند که در زیارت‌نامه تمام ائمه، به همان معصوم سلام داده می‌شود، اما در زیارت‌نامه حضرت معصومه (سلام الله علیها)، به صورت مستقیم به تمام چهارده معصوم و حتی انبیاء اولوالعزم سلام داده شده و سپس خدمت حضرت معصومه (سلام الله علیها) سلام و تحیت می‌دهیم.

این تفاوت بیانگر این معنا است که حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) حرم تمام پیامبران و امامان (علیه السلام) است. (بحار، ج ۱۰۲، ق ۲۶۶)

امام رضا (علیه السلام) زیارت خواهرش را مساوی با زیارت خو دانسته و فرموده است: "مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقُمْ كَمَنْ زَارَنِي" (ریاحین الشریعه، ج. ۵، ص. ۳۵)

۱۵. شرافت دادن به شهر قم

پانزدهمین خصوصیت حضرت معصومه سلام الله علیها «شرافت دادن به شهر قم» است.

زمین قم هرچند از نظر جغرافیایی و طبیعی، مزیتی نسبت به مکان‌های دیگر ندارد، ولی وجود تربت مطهر، پاک و نورانی حضرت معصومه سلام الله علیها موجب شده است این قطعه از سرزمین خشک و گرمسیر درایران شرافت و قداست خاصی پیدا کند؛

تاجایی که نه تنها به عنوان قبه الاسلام و حرم ائمه علیهم السلام معرفی شده و شناخته شود، بلکه در روایات آمده است که سه در از هشت در بهشت از قم به روی بهشتیان باز می شود.

از همین رو در قداست و حرمت این شهر در روایت آمده است:

روایتی ارزشمند از امام صادق (علیه السلام) این چنین نقل شده است:

“إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلْدَةُ قُمْ”

همانا خداوند متعال حرمی دارد که شهر مکه است و رسول خدا حرمی دارد که شهر مدینه است و امیر المؤمنین حرمی دارد که شهر کوفه است و ما (اهل بیت) نیز حرمی داریم که شهر قم است. (بحار، ج ۵۷، ص ۲۱۶)

حضرت امام صادق (ع) در اینکه درهای بهشتی از قم باز می شوند، می فرمایند:

“أَلَا وَ إِنَّ قُمَّ الْكُوفَةُ الصَّغِيرَةَ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قُمَّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ” (بحار، ج ۶، ص ۲۲۸)

«قم کوفه کوچک ماست. برای بهشت هشت در است که سه در آن به سوی قم است. زنی در قم وفات می کند که از اولاد من و نامش فاطمه است. در روز قیامت با شفاعت او تمام شیعیان من وارد بهشت می شوند.»

در زیارت نامه حضرت معصومه (ع) وقتی به پیامبران سلام داده می شود، همه به صورت غایب است:

“السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ...”

ولی وقتی به رسول خدا (ص) و ائمه (ع) می رسد، همه به صورت خطاب ذکر می شود:

“السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ...
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ”

این به معنا است زیارت تربت حضرت معصومه سلام الله علیها زیارت همه معصومین علیهم السلام است و باینکه محل دفن رسول خدا (ص) و ائمه (ع)، شهر قم نیست؛ ولی حرم شان حرم قم است.

۱۶. مرگ با عزت و جاودانه

شانزدهمین خصوصیت حضرت معصومه سلام الله علیها «مرگ با عزت و جاودانه» است.

به این معنا باینکه هر انسانی یکبار متولد و یکبار می میرد؛ ولی در چگونگی مرگ و تولد، انسانها به چند دسته تقسیم می شوند:

دسته اول؛

که قریب به اتفاق انسانها این چنین اند تولد و مرگ طبیعی دارند نه تولد آنان کانون توجه قرار می گیرد و نه مرگشان تکان دهنده و مورد توجه است، بلکه تولد و مرگشان به عنوان جریان طبیعی مسیرش را طی می کند و هرکسی روزی متولد و روزی هم سرانجام از دنیا می رود.

دسته دوم؛

انسان هایی هستند که تولدشان همانند دسته اول اند که جریان طبیعی و عادی دارد، ولی مرگشان فوق العاده تکان دهنده و عبرت آموز است، نظیر مرگ زبیر، طلحه که تمام افتخاراتشان را فدای نفسانیات کردند و با مرگ سیاه از دنیا رفتند.

دسته سوم؛

کسانی همچون دسته اول و دوم تولدشان عادی و طبیعی است ولی مرگشان موج آفرین، جاودانه و عزت آفرین است مصلحان، عارفان و شهداء با چنین مرگی رهسپار جهان دیگر می شوند.

دسته چهارم؛

کسانی اند تولد و مرگشان هیچ زیبایی ندارد بلکه هریک از تولد و مرگ نفرت انگیزتر و عبرت آمیزتر از دیگری است؛ مرگ و تولد زیادبن ابیه و حجاج بن یوسف ثقفی از این دسته است، چراکه:

وقتی زیادبن ابیه متولد شد آن چنان غمگین انگیز بوده است که نمی دانستند پدر وی چه کسی است و او با «زیادبن ابیه» نام گذاری شده است، و چون تمام عمرش را در جرم و جنایت گذشته بود مرگش شادی آفرین بود که وجود جنایت کاری از صحنه زمین پاک شد،

حجاج هم وقتی متولد شیرپستان مادر را نمی مکید ولی ظرفی پر از خون را

آوردند شروع به نوشیدن نمود که تفال خونریز بودن وی زدند که این چنین شد، و عمرش را به خون آشامی پشت سر گذراند وقتی به هلاکت رسید که سیصد هزار نفر در زندان وی باز داشت بودند.

دسته پنجم؛

کسانی اند که تولدشان زیباتر از مرگ، و مرگشان قشنگ تر و زیباتر از تولدشان است، تولدشان شگفتی ساز، و مرگشان موج آفرین است، تولدور حلت رسول گرامی اسلام، تولد و شهادت علی علیه السلام این چنین بود که تولدشان شگفتی ساز و مرگشان جاودانه و عزت آفرین بوده است، حضرت معصومه سلام الله علیها در این دسته پنجم قرار داشته است، چراکه:

اولاً: تولد آن حضرت آن چنان شگفتی ساز است که درکش فراتر از استعداد و فهم ناقص ما است، برای اینکه در یک روایت تولد و مکان دفن آن حضرت راقبل از تولد امام موسی بن جعفر علیه السلام، و در روایت دیگر تولد و محل دفنش بعد از تولد پدرش، جد بزرگوارش امام صادق علیه السلام پیشگویی نموده است.

از همین رو در یک روایت آمده است:

“و رَوَى عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ أَنَّهُمْ دَخَلُوا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ قَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَقَالَ مَرَحَبًا بِأَخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمَّ فَقَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَأَعَادَ الْكَلَامَ قَالُوا ذَلِكَ مِرَارًا وَ أَجَابَهُمْ بِمِثْلِ مَا أَجَابَ بِهِ أَوْلَا فَقَالَ إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ

إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلْدَةُ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ قَالَ الرَّأْيِيُّ وَ كَانَ هَذَا الْكَلَامُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ" (بحار ج ۵۷، ص ۲۱۶)

«جمعی از اهل ری که از شیعیان بودند در محضر امام صادق مشرف بودند و خود را معرفی کردند که ما از اهل ری هستیم، امام شروع کرد از تمجید اهل قم و به آفرین گفتن به آنان و ذکر ویژگی‌های آن و آن را حرم اهل بیت شمرد و علت آن را قبر شریف حضرت معصومه معرفی کرد؛ و این پیشگویی را پیش از تولد امام موسی بن جعفر علیه السلام بوده است»

ثانیاً: مرگ او نیز موج آفرین، جاودانه و به یک معنا مرگش شهادت گونه و در حال هجرت و مصداق آیه مبارکه:

“مَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا” (نساء، آیه ۱۰۰)

و هر که در راه خداوند هجرت کند، اقامتگاه‌های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هر که از خانه‌اش هجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس مرگ، او را دریابد حتماً پاداش او بر خداوند است و خداوند آمرزنده‌ی

مهربان است. بوده است، به یک معنای دیگر شهیده در راه حق و مصداق آیه مبارکه:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، آیه ۱۶۸)

«هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند» بوده است. چراکه:

در چگونگی ورود حضرت معصومه سلام الله علیها به قم دو نظریه و دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول؛ این است حضرت معصومه سلام الله علیها در سال ۲۰۱ هجری قمری یک سال بعد از آمدن حضرت امام رضا علیه السلام به مرو، به قصد زیارت امام علیه السلام از مدینه خارج شد و پس از پیمودن راه بین حجاز و عراق، وارد سرزمین ایران شد.

ولی پیش از رسیدن به خراسان، در یکی از شهرهای مرکزی ایران به نام ساوه بیمار گردید. از اطرافیان پرسید: از این جا تا قم چقدر فاصله است؟ گفتند: ده فرسخ. آن حضرت به خدمت کارش دستور داد که وی را به طرف شهر قم حرکت دهد. آل سعد که از شیعیان و محبان اهل بیت (ع) بوده و در قم زندگی می کردند، همین که از ورود خواهر امام رضا (ع) با خبر شدند به استقبال آن

حضرت شتافته و از شهر قم بیرون رفتند و چون به وی رسیدند، بسیار شادمانی و اظهار خوشحالی نمودند.

موسی بن خزرج بن سعد که از بزرگان آل سعد و از معاریف شیعه در قم بود، افسار شتر آن حضرت را به دست گرفت و به سوی قم آورد و آن بانوی شریف را در خانه خویش اسکان داد و از او به شایستگی پذیرایی کرد؛ اما حضرت فاطمه معصومه (س) بیمار و رنجور بود. بدین جهت، چندان اقامتی در قم نداشت و پس از شانزده روز سکونت در خانه موسی بن خزرج، دار فانی را وداع و روح بلندش به اعلیٰ علین پیوست. (حیاه الامام الرضا (ع) (باقر شریف قریشی) ج ۲، ص ۳۵۱؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱).

احتمال دوم؛ این است که برپایه بعضی از روایات دیگر، ماموران مامون عباسی که از هجرت علویان به ایران ناخوشایند بوده و در باطن از این ماجرا رنج می‌بردند، به کاروان حضرت معصومه (س) در ساوه هجوم و بسیاری از مردان و مبارزان کاروان، از جمله هارون بن موسی کاظم (ع)، برادر حضرت معصومه (س) را به شهادت رساندند و به حضرت معصومه (س) نیز زهر خورانیده و بر اثر آن زهر کشنده، آن حضرت نیز به شهادت رسید. (حیاه الامام الرضا (ع) (سید جعفر مرتضی)، ص ۴۲۸)

﴿ دفتر مطالعات و تأمین محتوا ﴾